

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دوازدهم، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۹

صفحات: ۴۴-۳۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۸/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

بررسی سیمای زن در دین صابئین مندائی (از دواج و خانواده)

عزیز سواری*

محمد جابری نصر**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سیمای زن در دین صابئین مندائی می‌باشد. جامعه پژوهش کلیه متون دینی ترجمه شده - صابئین مندائی است. نمونه مورد بررسی بوته‌های (کوچک ترین بخش از تعالیم دین مندائی) مرتبط به زن، ازدواج و خانواده است. طرح پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش با استفاده از راهبرد کتابخانه‌ای (فیش برداری از منابع) و مراجعه مستقیم به کتب مقدس صابئین مندائی (گنزا ربا و دراشا اد یهیا (تعالیم یحیی)) مطالب مرتبط به موضوع مقاله (زن، ازدواج و خانواده) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، سپس با استفاده از روش کیفی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که نخستین زن (حوا) همراه و همزاد نخستین مرد (آدم) خلق و نشمتای پاک آنان از آلمان دهنورا در جسم‌شان دمیده می‌شود. حوا در کنار آدم مخاطب وحی الهی واقع شده و پس از مرگ آدم، نزول تعالیم و حیانی به حوا استمرار می‌یابد. در طول تاریخ کهن مندائی برخی بانوان توانسته‌اند وارد سلک روحانیت شده و بالاترین درجات دینی هم چون ریش امه (رئیس امت) را کسب کنند. ملوآشه یا نام دینی که هویت اصیل یک مندائی را تشکیل می‌دهد، بر اساس نام مادری وی ساخته می‌شود. ازدواج یک دستور دینی تلقی شده که ویژگی‌هایی هم چون درون قومی بودن، وجود مناسک پیچیده دینی شامل تعمیم زوجین در آب جاری (یردنا) و نداشتن طلاق دارد. با استناد به آموزه‌های مقدس مندائی اصول خانوادگی مانند عفت و پاکدامنی، فرزندآوری و تعلیم و تربیت فرزندان استخراج و ارائه شدند.

کلید واژگان: سیمای زن، دین صابئین مندائی، ازدواج، خانواده

* دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: azizsawari@gmail.com)

** دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. (ایمیل: m.jaberynasr@gmail.com)

مقدمه

زن به عنوان عضوی جدی و غیرقابل چشم‌پوشی در کانون بزرگ جامعه انسانی و نیز به عنوان یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ، داورهای گوناگونی را نسبت به خود دیده است. بدین معنی که گاه زن را به عنوان موجود اشرف و برتر خلقت معرفی کرده‌اند و گاه وی را به عنوان ابزاری در نظر گرفته‌اند که از خود اختیار و شخصیتی ندارد. دیدگاه نسبتاً متعادلی نیز وجود دارد که مختص ادیان الهی است که بشریت را متشکل از دو جنس می‌دانند که مکمل و متمم هم بوده و مایه آرامش و تسکین یکدیگرند (حامدی پور، ۱۳۹۴: ۷۸). با توجه به این که زنان شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه آنان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی ایفا می‌کند و از آن جا که دین یک نهاد اجتماعی است که چگونگی برقراری ارتباط بین زنان و مردان در جامعه را تبیین می‌کند، نگرش ادیان به جایگاه و شخصیت زنان اهمیتی روزافزون می‌یابد. در این پژوهش سیمای زن در یکی از قدیمی‌ترین ادیان توحیدی جهان، یعنی دین «صابئین مندائی» یا ناصورائیان مورد بررسی قرار گرفت. صابئین مندائی یکی از اقوام بکر منطقه بین‌النهرین و ایران هستند که از دو هزار سال پیش تاکنون در مهد ایران زمین زندگی کرده‌اند. در مطالعات مستشرقان و دین پژوهان غربی از این آیین به عنوان تنها سنت زنده و خالص گنوستیکی (عرفانی) برجای مانده از دوران گذشته باستان یاد شده که تا به امروز توانسته متون دینی، مناسک، کتب و فرهنگ دینی خود را به طور کامل نگه دارد (هیبرل^۱، ۲۰۱۳: ۵۸۶). جمعیت صابئین مندائی حدود ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ در عراق و از ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ نفر در ایران تخمین زده می‌شود (عربستانی، ۱۳۹۸: ۳۴). شهر اهواز مرکز دینی روحانیت صابئین مندائی ایران است. صابئین مندائی خود را وارث یک دین توحیدی باستانی می‌دانند که مبدأ آن اولین پیامبر و نخستین انسان یعنی حضرت آدم^۲ ابتدای تاریخ انسانیت بوده است. سنت فرهنگی ایشان شامل کتب و نوشته‌جات بسیاری از جمله کتاب «گنزاربا» (به معنی گنج بزرگ) منسوب به حضرت آدم^۲ و دیگری کتابی منسوب به حضرت یحیی (آخرین پیامبر مندائی) به نام «در اشاد یهیا» یا تعالیم حضرت یحیی بن زکریا است (عربستانی، ۱۳۹۷: ۱۶). از دیگر کتب دینی مندائی، کتاب انیانی (نیایش)، قلستا (قوانین ازدواج)، سیدراد نشماتا (کتاب روان‌ها)، دیوان اباطر (دیوان حساب و کتاب)، الف ترسر و شبالا (هزار و دوازده سؤال) را می‌توان نام برد. همه این کتب دینی به زبان مندائی (یکی از شعب زبان آرامی شرقی) نگاشته شده‌اند.

مراجعه به منابع دینی صابئین مندائی نشان می‌دهد که بخشی از آموزه‌های مقدس آنان به مسائل و احکام مربوط به زنان پرداخته است. در کتاب مقدس مندائی و هم چنین کتاب تعالیم حضرت یحیی^۳، درباره چگونگی خلقت نخستین زوج (آدم و حوا) و نزول تعالیم وحیانی از سوی همی ربی (خداوند بزرگ) و تجلی حکمت خالده^۴ (ناصرتا) بر آنان به تفصیل پرداخته شده است. هم چنین نام برخی از زنان مؤمن و نیکوکار در متون دینی ذکر شده‌اند که به چنان درجه‌ای از ایمان و تقوا رسیده که امروزه برای زنان مندائی به عنوان یک اسوه نیک یاد می‌شوند، هم چون نهریثا همسر سام بن نوح، نهر همسر یحیی نبی و مریای دختر یهودی که

به دین مندائی گرایش پیدا کرد. از طرفی ازدواج (قابین) و تشکیل خانواده، سنت محبوب و واجبی در دین مندائی قلمداد می‌شود که مورد تاکید فراوان تعالیم مقدس قرار گرفته است. ازدواج دارای شرایط خاص و با اجرای مناسک ویژه‌ای و مراحل منظمی در زمان عقد همراه است، تخطی از این مناسک و مراحل، کفاره‌ی سنگینی را بر دوش زوجین خواهد گذاشت (دیوان اباثر، یکی از کتاب‌های مقدس مندایی). هم‌چنین لزوم پابندی مرد و زن به ارزش‌های اخلاقی در کانون خانواده نیز مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. علاوه بر این مسائل، موضوعات مهم دیگری نیز درباره جایگاه و نقش زنان، احکام و شرایط ازدواج و اخلاق خانواده در دین صابئین مندائی مطرح شده‌اند، که شایسته تتبع و تأمل هستند. باکلی^۱ (۲۰۰۰) مندائی‌شناس در پژوهشی با عنوان «شواهدی بر وجود زنان روحانی در دین صابئین مندائی» با بررسی پانوشت‌ها و شجره‌نامه‌های نویسندگان کتب دینی، حدود سنی زن روحانی مندائی را شناسایی و معرفی کرده است. در پژوهشی دیگر سواری و هاشمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش و جایگاه حجاب و عفاف در دین صابئین مندائی» به موضوع پوشش و عفاف در فرهنگ دینی مندائی پرداخته‌اند. هم‌چنین سواری و النجار (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه و نقش مادر در تعالیم مقدس مندائی» دیدگاه این آیین را درباره مادر بررسی کرده‌اند. در ادامه این تحقیقات با مراجعه مستقیم به منابع مقدس و دست اول صابئین مندائی به ویژه گنزاربا و دراشا ادیهیا، هدف پژوهش حاضر بررسی سیمای زن در دین صابئین مندائی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش کلیه متون دینی ترجمه شده‌ی صابئین مندائی است. نمونه مورد بررسی بوته‌های (کوچک‌ترین بخش از تعالیم دین مندائی) مرتبط به سه موضوع زن، ازدواج و خانواده است.

روش اجرا

در این پژوهش با استفاده از راهبرد کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از منابع) و مراجعه مستقیم به کتب مقدس صابئین مندائی (گنزاربا و دراشا ادیهیا (تعالیم یحیی)) مطالب مرتبط به موضوع مقاله (زن، ازدواج و خانواده) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، سپس با استفاده از روش کیفی تحلیل شدند.

یافته‌ها

روایت آفرینش مندائی و جایگاه زن در آن یافته‌ها

یکی از راه‌های پی بردن به جایگاه و مقام زن در یک مکتب، توجه به داستان آفرینش نخستین انسان در آن مکتب است. همه ادیان در مورد آغاز خلقت آدمی روایت‌هایی نقل کرده‌اند در دین صابئین

مندائی روایت آفرینش در گنزا ربا به تفصیل آمده است. هببی ربی قدمایی (پروردگار زنده‌ازلی) با اراده خویش تمام هستی‌ها و موجودات مختلف موجود در آن‌ها از جمله اُتراها (موجودات نورانی)، آسمان‌ها، زمین (تیبیل)، آب جاری (یردنا)، نبات و گیاهان و انواع جانوران در آن را خلق کرد و در آخرین مرحله فرمان می‌دهد که در زمین زوجی به نام «آدم و حوا» (آدم و هَوا) پدید آیند. جسم (پغرای) هر دوی آن‌ها، توسط دسته‌ای از فرشتگان، به رهبری «ملکا پناهیل»، از گِل (طینا) بر روی زمین سرشته می‌شود و آن‌گاه به امر هببی ربی، نشمتا یا روان حیات بخش، از آلما دنهورا (عالم نور) در درون کالبد جسمانی آنان دمیده می‌شود. این روایت در قسمت راست گنزا ربا چنین آمده شده است:

و در آن جا مرد و زنی باشند به نام «آدم و حوا»، تا فرشتگان بر آن‌ها سجده نمایند». هببی ربی فرمان داد و همه چیز به وجود آمد، زمین گسترانیده شد، آسمان روشن گشت، ماه درخشید و ستارگان نورانی شدند و از گِل و خاک سرخ و خون و صفرا، جسم آدم و حوا را سرشتند. سپس از آلما دنهورا، نشمتای آنان را فرود آوردند و به قدرت پروردگار بزرگ، نشمتا وارد جسد آنان گشت. سپس هببی ربی فرمود: فرشتگان آتش به آدم و حوا سجده نمایند و با آن‌ها مخالفت نکنند، پس همه سجده نمودند به جز شریر (شیطان)، پس خداوند او را مقید نمود. من هبیل زیوا (گبرائیل امین) فرستاده‌ی هببی ربی هستم. هببی ربی به من فرمان داد: «به سوی آدم و حوا روانه شو و آنان را با صدایی زیبا و رسا بخوان و به آنان همه چیزها را تعلیم ده؛ آدم و حوا را تعلیم تا عقل‌شان روشن گردد و آنان را استوار گردان تا اندیشه، قلب و ضمیرشان بیدار گردد؛ به آدم و حوا و نسل‌شان حکمت را یاد ده تا نادان و رنجور نگردند و بدکاران توانایی فریفتن آنان را نداشته باشند (گنزا ربا: ۱۰-۸).

همان‌طور که در روایت خلقت نخستین انسان در گنزا ربا آمده حوا (هَوا) نخستین زنی است که به فرمان هببی ربی، همزاد و مقارن با خلقت نخستین مرد، یعنی حضرت آدم (آدم بر قینا) آفریده می‌شود. تمام بشریت از این زوج نخستین پدید می‌آیند، از این رو در ادبیات دینی مندائی از حوا به عنوان مادر کل بشریت یاد شده است. آموزه‌های مقدس مندائی، همزمانی و تقارن خلقت آدم و حوا را به صراحت مورد تاکید قرار داده‌اند. برخی از نکاتی را که از این روایت کتاب مقدس قابل استنتاج می‌توان در چند محور زیر مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱- برابری مرد و زن در ساحت‌های معنوی و جسمانی

در دین مندائی، انسان از دو بُعد جسمانی (پغرا)^۱ و روحانی (نشمتا)^۲ تشکیل شده است. اصالت و کرامت آدمی در بُعد روحانی و معنوی او یعنی نشمتا است که عنصری جاویدان و منشأ آن کُنّا مکانی در آلما دنهورا است. برابری و همسانی مرد و زن نه تنها در این ساحت علوی است، بلکه حتی در ترکیب و عناصر سازنده جسم آنان (پغرا) نیز مورد تاکید قرار گرفته است. بر اساس اندیشه دینی صابئین مندائی جسم زن دقیقاً از همان گلی که جسم مرد از آن پدید آمده، ایجاد شده است. این موضوع در کتاب دراشا اد یهیا

1. Peghra

2. Neshmetha

(تعالیم یحیی) آمده است: «آدم از گل آفریده شده و از همان گل همسرش حوا پدید آمد» (تعالیم یحیی، یکی از کتب مقدس مندایی: ۱۳).

۲- مسجود فرشتگان واقع شدن

پس از اتمام خلقت جسم آدم و حوا نشمنا (روان پاک) به فرمان هیبی ربی، از عالم نور توسط فرشتگانی مقرب همچون مندای هبی (عرفان خداوند) هبوط و در جسم آنان وارد می‌شود و در نتیجه آدم و حوا مسجود فرشتگان واقع می‌شوند. بر این اساس نوع آدمی بدون توجه به نوع جنسیت، دارای شرافت و کرامت ذاتی نسبت به سایر مخلوقات و دیگر موجودات هستی است. برخورداری آدمی از این نوع کرامت، تنها به دلیل حمل گوهری ارزشمند به نام نشمناست که منشأی آلمان دهنورایی دارد (سواری، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

۳- دریافت ناصوراتا: حکمت خالده هیبی ربی

معرفت و حکمت جاویدان الهی (ناصوراتا) نیز هم زمان بر آدم و همسرش حوا متجلی می‌شود. ناصوراتا همان تعالیم نخستین الهی به نشمنا آدمی در هنگام ورود به جسد آدم و حواست است که از آن به عنوان سلاحی نافذ و سخت‌تر از آهن یاد شده است. ناصوراتا امتیاز ویژه نوع آدمی (مرد و زن) است که سایر انواع و موجودات گیتی از آن محرومند. دریافت حکمت خالده هیبی ربی توسط آدم و حوا نشانه‌ای است از برخورداری زن و مرد از قدرت فهم و درک و تجهیز آنان به قوه عقل و خرد (سواری، ۱۳۹۶).

۴- آموزش احکام، اخلاقیات و تعالیم دین

احکام، اخلاقیات، عبادات و سایر تعالیم دینی نیز همزمان به آدم و حوا تعلیم داده می‌شود. هنگامی که فرشته وحی (هیبل زیوا) برای نخستین بار از عالم نور به زمین هبوط می‌کند، مخاطب آن تنها حضرت آدم (مرد) نیست، بلکه حوا نیز این آموزه‌های وحیانی را دریافت می‌کند:

به آدم و حوا و نسل‌شان معرفت را یاد ده تا نادان و رنجور نگردند و بدکاران و شیاطین توانایی فریفتن آنان را نداشته باشند؛ نماز و عبادت را به آنان بیاموز تا آن را برای ستایش از خداوند بزرگ جهان نور پیا دارند (گنزاربا قسمت راست: ۱۰).

بعد از مرگ آدم تعالیم وحیانی نیز به همسرش حوا استمرار می‌یابد، زمانی که حوا بر اثر فقدان همسرش آدم، محزون و اندوهناک گردید و غم سرتاسر وجود او را گرفته بود، به امر هیبی ربی، فرشته هیبل زیوا بر حوا نازل شده و او را به آرامش و فراغت بال دعوت می‌کند و به او اطمینان می‌دهد که همسرش در موطن اصلی خود در عالم نور سکنی گزیده است. از این رو شاید دین مندائی تنها آیینی باشد که به احوال حوا بعد از مرگ آدم پرداخته است:

ای هیبل زیوا، تو بودی که معرفت را بر آدم و حوا گسترانیدی، تو بودی که آدم و حوا را به خانه سعادت فرستادی و آن‌ها را به عقد هم در آوردی، به سوی حوا برو و با او همراه باش و او را آرام گردان (گنزاربا، قسمت چپ: ۲۱).

۵- پاک بودن ذات زن

دین صابئین مندائی، اعتقادی به گناه نخستین آدم و حوا و رانده شدن آنان از بهشت برین ندارد، بلکه معتقد است که آدم به همراه همسرش حوا، برای اولین بار بر روی زمین (تیبیل) پدید آمده و تعالیم

و دستورات خداوند بزرگ را از جهان نور در همین جهان دریافت کرده‌اند. بنابراین ذات آدمی (چه مرد و یا زن) از دیدگاه دین مندائی ذاتاً پاک است و مرتکب گناهی نشده است. بر این اساس سیمای زن و نسبت وی با مرد در دین مندائی تا حدودی قابل تشخیص است: زن طفیلی مرد نیست و برای آرامش و رفع نیازهای وی آفریده نشده است، بلکه مرد و زن برای یک دیگر به عنوان مکمل و متمم هم پدید آمده‌اند. از این رو تعالیم دینی صابئین مندائی اهمیت خاصی را به ازدواج داده است و تجرد زیستن را نوعی نقص و کمبود می‌داند. آدمی تنها با ازدواج بر اساس دستورات دین به کمال می‌رسد. در این باره در گنزاربا آمده است «مرد بدون زن ناقص است و زنی که از ازدواج سرباز می‌زند نیز به کمال نخواهد رسید» (گنزاربا: ۴۰). در نتیجه مرد و زن هر دو از یک گوهرند و هیچ امتیازی برتری یکی بر دیگری وجود ندارد، مگر به واسطه تقوا هبی ربی و اخلاق اکتسابی.

زنان و سیر تحول جامعه انسانی

جایگاه دیگر زنان را می‌توان در مراحل تحول جامعه انسانی و حوادث بعد از آدم و حوا جستجو کرد. بر اساس آموزه‌های مقدس مندائی، جامعه انسانی پس از خلقت آدم و حوا سه بار به طور کامل نابود شده و در هر مرحله از میان همه آدمیان، فقط یک زوج باقی مانده‌اند و از اینان دوباره جامعه انسانی از نو متولد و زنده می‌گردد:

در ابتدا وحی بر آدم و حوا نازل شد، نسل اول همه بشریت همه بر یک کلمه و بر یک شهادت بودند، اما بعد از آن جهان به وسیله شمشیر و بیماری نابود می‌شود. روان‌ها از اجسام خارج شده و به جایگاه نور صعود می‌کنند و تنها «رام» و همسرش «رود» باقی ماندند. پس جهان با آن‌ها احیاء شد. و تقدیر کردیم که رام و رود هزار سال عمر کنند. بعد از آن جهان را آتشی بزرگ فرا می‌گیرد و همه روان‌ها از اجسام خارج می‌شوند و جهان به وسیله «شوربای و همسرش شرهبیل» از نو زنده می‌شود. بین رام و رود و شوربای و شرهبیل بیست و پنج نسل است. بعد از آن جهان را طوفانی سهمگین فرا می‌گیرد و روان همه انسان‌ها به جهان نور صعود می‌کند و تنها «نوح و خانواده‌اش و فرزندش سام و نُهریثا» باقی می‌مانند (گنزاربا، قسمت راست: ۲۷-۲۶).

بنابراین، در هر انقراض دسته جمعی آدمیان، همیشه یک زوج (یک مرد و یک زن) باقی می‌مانند که این دو بنیان و نسل بشریت را مجدداً احیا می‌کنند. حوا در کنار آدم، رود در کنار رام، شرهبیل در کنار شوربای و بالاخره نُهریثا در کنار سام بن نوح احیاگر جامعه انسانی هستند. ذکر نام زنان در کنار مردان نشان از جایگاه و نقش ویژه آنان در ایجاد جامعه نوپای انسانی دارد. «حوا»، «رود»، «شرهبیل» و «نُهریثا» مادران بشریت در طول تاریخ تطور جامعه انسانی‌اند.

زن و نسب خانوادگی (ملواشه)

هر فرد مندائی، علاوه بر نام شناسنامه‌ای دارای یک نام دینی خاصی است که در زبان مندائی به آن «ملواشه»

می گویند. ملواشه همان نامی است که هنگام اجرای مناسک دینی مختلف هم چون تعمید، ازدواج و نماز و ذبح یاد می شود. حتی پس از مرگ در هنگام قرائت دعای آمرزش بر روان متوفیان، ذکر ملواشه‌ی آنان ضرورت دارد. ملواشه بر اساس ساعت و ماه تولد و «بخش اول نام مادر» مولود بر اساس اصولی که در کتاب «اسفار ملواشه» آمده‌اند، توسط روحانی استخراج و معین می شود. ساعت و ماه ولادت به دلیل اهمیت و تأثیری است که برج‌ها در جهان بینی مندائی بر انسان‌ها دارند مورد اهمیت قرار می گیرد (حماده، ۱۴۱۳: ۱۳۳). ساختار ملواشه بدین گونه است:

اگر نوزاد پسر باشد: نام نوزاد پسر + بر + قسمت اول نام دینی مادر

و اگر نوزاد دختر باشد: نام نوزاد دختر + پث + قسمت اول نام دینی مادر

بدین صورت که اگر مولود پسر باشد با کلمه «بر» به معنی پسر، و چنانچه دختر باشد با کلمه «پث» به معنی دختر از نام نخست ملواشه مادرش جدا می شود. برای مثال «رام بر یاسمن» برای پسر که به معنی رام پسر یاسمن است و «نادیا پث هوا» برای دختر که به معنی نادیا دختر هوا.

آن چه که در این جا اهمیت دارد این است که در تعیین ملواشه نام شخص با نام مادر خویش گره می خورد نه با نام پدر. زیرا بر اساس جهان بینی مندائی، مادر حامل سرّ ولادت و رمز زاینده‌گی است و این امر اعترافی است به فضل کسی که فرزند را نه ماه حمل کرده، به او غذا داده و در آینده نیز از او مراقبت خواهد کرد (مغشغش السعدی، ۱۴۳۶). وجود نام مادر در ملواشه جلوه بارز دیگری است به اهتمام و جایگاه والای مقام زنان در این دین.

زن و روحانیت

روحانیت به منزله یک رکن مهم در دین صابئین مندائی محسوب می شود، زیرا که اجرای بیشتر مناسک دینی، هم چون تعمید، مناسک پیچیده ازدواج، تعیین ملواشه برای نوزادان، ذبح، آیین‌های مربوط به روحانی شدن، آیین‌های مربوط به مرگ و ... به حضور و نقش آفرینی فرد روحانی مرتبط است. در دین مندائی، پنج درجه دینی برای روحانیون وجود دارد: اشکندا (یاور)، ترمیذا (شاگرد)، گنزورا (صاحب گنج) و ریش اما (رئیس امت) و ربانی. ربانی بالاترین درجه دینی است که مخصوص انبیا الهی می باشد و آخرین کسی که به این درجه دینی نائل آمده، حضرت یحیی بن زکریا^(ع) آخرین پیامبر مندائیان است (حماده، ۱۴۱۳: ۹۲).

حال جای این سوال مطرح می شود که آیا در دین مندائی، زنان می توانند وارد سلک روحانیت گردند و درجه‌ای از درجات دینی مذکور را کسب کنند یا خیر؟ و اگر آری، تا چه درجه‌ای می توانند پیش روند؟ بررسی‌های مرتبط با این موضوع نشان می دهد که در گنزورا و کتاب تعالیم حضرت یحیی، واژه «ترمیذاتا» (جمع ترمیذا) چندین بار آمده است. «خوشا به حال ترمیذاتا، زنانی که خود را از شرک و هوای روها و نجاست او دور ساخته‌اند (تعالیم یحیی، یکی از کتب مقدس مندایی: ۳۸). این واژه صیغه جمع مؤنث برای دومین درجه دینی مندائی یعنی «ترمیذا» است و اشاره‌ای مستقیم به زنانی که دارای درجه دینی

ترمیذا هستند. با کاوش در پانوشته‌های متون دینی مندائی، نام زنانی با درجات دینی هم چون «گنژورا» و حتی «ریش امه» (رئیس امت) مشاهده می‌شود. باکلی (۲۰۰۰) در پژوهش‌های خود نام سی زن روحانی مندائی را در کتب دینی مندائی شناسایی کرده است «شلما بث قیدرا» (سلما دختر قیدرا)، قدیمی‌ترین زن روحانی است که قسمت چپ کتاب گنژا را رونویسی کرده است وی در سال ۲۷۰ قبل از میلاد زندگی می‌کرده است (در فاصله بین سال‌های ۳۰۰ تا ۶۳۸ م). بانوانی هم چون «یاسمن بث اشکندا»، «شارت بث قیام»، «مریای بث سیمات» و «هوا بث نوکرای» نیز گزارش شدند.

هم چنین در بخش ۱۷۰ کتاب قلستا که در آن بر روان نیاکان نیکوکار و روحانی آمرزش فرستاده می‌شود، نام دو زن با درجه گنژوا مشاهده می‌شود: «هوا دختر دایی» و «آنهر کمربتا دختر سیمات». افزون بر آن «هیونا دختر تیهوی» زنی است که به بالاترین درجه دینی روحانیت مندائی یعنی ریش اما (رئیس امت) رسیده است. نام ایشان در کتاب قلستا، هزار و دوازده سوال (الف ترشر و شیالا)، کتاب تعمید هیبل زیوا و شرح قوانین ازدواج آمده است. احتمالاً تاریخ زندگی وی به قرن هفتم میلادی بوده است. آخرین زن مندائی روحانی بنا به پژوهش‌های باکلی به سال ۱۸۳۱ باز می‌گردد (باکلی، ۲۰۰۰). با این حال امروزه ورود زنان به سلک روحانیت مندائی کمرنگ‌تر شده است و به ندرت می‌توان زنی با درجه دینی یافت. شاید این امر به دلیل وجود مشقتها و التزامات سختی است که در این راه برای زنان وجود دارد، یا نیز تحت تاثیر فرهنگی که مندائیان بعدها به آن وارد شده و در آن زندگی کرده‌اند، باشد.

ازدواج (قابین)

در ادبیات دینی مندائی مرد به نخل (سندرکا) و زن به چشمه آب (آینا) تشبیه شده‌اند. نخل نماد نرینگی، کثرت و استقامت است و در چشمه آب، معانی هم چون مادگی، تغذیه، جوشش و استمرار نهفته است. اصطلاح «آینا و سندرکا» بارها در متون مقدس مندائی همراه هم ذکر شده‌اند، که اشاره‌ای است به کامل بودن مرد و زن در کنار یک دیگر (مغشغش السعدی، ۱۴۳۶: ۱۸۶). رسیدن به این کمال تنها از طریق سنت ازدواج آن‌ها بر اساس شرع صورت می‌پذیرد. ازدواج سنت محبوبی در بین مندائیان محسوب می‌شود از این رو توصیه شده که والدین برای فرزندان‌شان جشن ازدواج برپا کنند: «برپا کنید جشن عروسی برای پسران و دختران‌تان و ایمان داشته باشید به پروردگارتان، مالک اعلای نور (گنژاربا، به نقل از چحیلی، ۱۳۹۷: ۲۱۲).

اگر همسر (زن) در این جهان نبود، آسمان و زمین آفریده نمی‌شدند؛ اگر زن در این جهان نبود، نه خورشید طلوع می‌کرد و نه ماه در آسمان می‌درخشید؛ اگر در این جهان زن نبود، آب جاری خلق نمی‌شد و دانه‌ها جوانه نمی‌زدند؛ اگر در این جهان زن نبود، باد نمی‌وزید و شعله‌های آتش فروزان نمی‌گشت؛ به راستی که همسر (زن) هم چون آب و آسمان و زمین و نور است (تعالیم یحیی، یکی از کتب مقدس مندایی ۴۸).

اما ازدواج در دین مندائی دارای شرایط ویژه‌ای است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- ازدواج در دین مندائی «درون دینی» است، به عبارتی ازدواج یک مندائی با غیر مندائی امکان‌پذیر نیست.

وقوع چنین ازدواجی، باعث فروپاشی درخت خانوادگی (شرشا تاقتا) می‌گردد. در کتاب تعالیم یحیی به صراحت این موضوع آمده است: «با زنان غیر مندائی، ازدواج نکنید» (تعالیم یحیی، یکی از کتب مقدس مندائی: ۶۴).

۲- در دین مندائی طلاق وجود ندارد (دراور، ۱۹۶۹، مغشغش السعدی، ۱۴۳۶) زیرا که عقیده بر این است که ازدواج با رضایت کامل زن و مرد رخ می‌دهد و آن عهد و پیمانی همیشگی و ناگسستنی بین زن و مرد است که الزاماً احترام و رعایت حقوق طرفین را به دنبال دارد. تأکید و سفارش تعالیم مقدس بر آن است که زن و مرد همدیگر را ارج نهند و نسبت به هم بردبار باشند و رابطه آنان تا مرگ از هم گسیخته نشود. در کتاب مقدس آمده است: «تا پایان عمرتان در کنار همدیگر باشید و از همدیگر جدا نشوید» (گنزا ربا: ۲۲).

شرایط و اوضاع کنونی مندائیان را وادار به انجام برخی اصلاحات مربوط به طلاق نموده است. البته بعد از سعی در صلح بین زوجین و اقدام در برطرف نمودن عاملی که باعث اختلاف بین آنان شده است (مغشغش السعدی، ۱۴۳۶: ۲۰۸). چنین اصلاحات دینی در رابطه با طلاق نیز در بین مندائیان ایرانی انجام شده است.

۳- ازدواج با اجرای مناسک پیچیده‌ای با حضور روحانی با درجه گنزورا و تعمید زوجین در آب جاری و قرائت دعاها معمولاً در روزهای یکشنبه انجام می‌پذیرد (الزهیری و الکعبی، ۱۴۴۰: ۲۶۹). چنانچه ازدواجی بدون اجرای این آیین‌ها به وقوع بپیوندد، لازم است زوجین هر کدام ۳۶۰ بار در آب جاری به عنوان کفاره تعمید داده شوند (الزهیری، ۱۴۲۸: ۸۹).

۴- موافقت والدین زوجین در ازدواج شرط است. علاوه بر این، خود زوجین نیز باید نسبت به ازدواج رضایت کامل داشته باشند. توصیه شده است مرد و زن قبل از ازدواج همدیگر را ببینند. برای تداوم و استمرار نسل دینی (حلالی) در خانواده، یک روحانی بایستی با دختری با اصل و نسب دینی (حلالی) و با رعایت و اجرای دقیق مناسک دینی وصلت نماید. یک روحانی نمی‌تواند با زنی مطلقه و یا دارای نقص جسمانی و یا مشکلات روانی ازدواج کند. در صورتی که زن قبلاً ازدواج کرده باشد (بیوه باشد)، مناسک ازدواج توسط روحانی‌ای با درجه دینی «ایسق» اجرا می‌شود. وقوع چنین ازدواجی باعث توقف فرزندان زوجین به مدت سه نسل از ورود به سلک دینی می‌شود (مغشغش السعدی، ۱۴۳۶: ۱۹۰).

اصول اخلاقی خانوادگی در دین صابئین مندائی

آموزه‌های دینی صابئین مندائی بر بعد اخلاق در تمام شئون زندگی تأکید فراوانی کرده است. در گنزا ربا ارزش‌های اخلاقی بلافاصله پس از آفرینش آدم و حوا به وسیله فرشته مقرب هیبل زیوا بر آنان ابلاغ شد در این قسمت به اصول اخلاقی در سطح خانواده را بررسی می‌شود:

- اصل عفت و پاکدامنی:

به موازات احکام پوشش و حجاب، بخش گسترده‌ای از اخلاق دینی صابئین مندائی پیرامون «عفت نفس» و «پاکدامنی» است. تعالیم مقدس به صراحت اذعان می‌کنند که دین مندائی، دین عفت و پاکدامنی

است نه دین رفتارهای زاهدانه و ترک دنیا. دین صابئین مندائی در عین حال که فرد را از رفتارهای و رذایلی همچون زنا، نگاه‌ها و هوس‌های شیطانی و شهوات جسمانی بر حذر می‌نماید او را به ازدواج و تشکیل خانواده پاک و عفت نفس دعوت کرده است (سواروی و هاشمی، ۱۳۹۶) «و امر کردیم که برای خود، همسر برگزینید تا جهان با شما آباد گردد» (گنزا ربا: ۱۹).

در دین مندایی، آن چه به زن بها و ارزش می‌دهد، عفت اوست. در یکی از فرازهای کتاب تعالیم یحیی از زبان حضرت عیسی^(ع)، خطاب به حضرت یحیی^(ع) آمده است: «آب گندیده دوباره پاک می‌شود [مثالی است از اینکه] دختری بی بندوبار، مادر شود و از آن پس روسری از چهره‌اش نیفتد» (تعالیم یحیی، یکی از کتب مقدس مندایی: ۹۴). و در جای دیگری در پاسخ به «زن بیوه چگونه عروس می‌شود» می‌فرماید: «زن بیوه، عروس می‌شود (اگر) به تربیت و مراقبت از فرزند خویش پردازد و هنگام خارج شدن از منزل، چهره‌ی همسرش از پیش چشمانش غایب نشود» (همان: ۹۴). کتاب مقدس زنان را از برخی کارها و کردارهای ناپسند و غیراخلاقی بر حذر داشته و زنانی را که در راهی غیر از تعالیم دینی قدم بردارند را به شدت مورد نکوهش قرار داده است. در دیوان اباطر آمده است:

زنی که مرتکب زنا شود با کدامین آب جاری او را تعمید کنیم؟ آن زنی که شوهر خویش را ترک کرده و عاشق مردی شهوتران گردد را با کدامین آب جاری تعمید نمایم؟ (دیوان اباطر، یکی از کتب مقدس مندایی: ۶).

- اصل فرزندآوری:

غایت ازدواج، فرزندآوری است تا جهان با آن‌ها آباد و معمور گردد. به همین دلیل در تعالیم مقدس مندائی این چنین توصیه شده است که: «ای مردانی که زنان را به عنوان همسر خود برمی‌گزینید، فرزند بیاورید، تا ذریه شما از بین نرود» (گنزاربا: ۱۶). فرزندان ثمره و میوه ازدواج هستند و چنانچه تربیت دینی درست دیده باشند، پس از مرگ با انجام اعمال صالح نام والدین خود را در این جهان جاویدان خواهند کرد. در فراز دیگری کتاب مقدس، مندائیان را به درختان میوه تشبیه می‌کند که باید میوه بدهند (فرزند بیاورند) و این امر را یکی از شروط رسیدن به سمت جهان نور اعلام می‌کند: «ثمر بدهید اگر می‌خواهید به سوی عالم نور بالا بروید» (گنزا ربا: ۴۰).

- اصل تعلیم و تربیت فرزندان:

در تعالیم مقدس مندائی، تعلیم و تربیت فرزندان توسط والدین، یک امر مهم و واجبی تلقی شده است: «یاد دهید به پسران و دخترانتان دعا و ستایش خداوند را» (گنزا ربا، به نقل از چحیلی، ۱۳۹۷: ۲۱۵). والدین از روز اول تولد با تعمید نوزاد خود در روز سی‌ام ولادت و انتخاب ملواشه (نام دیتی) برای نوزاد خود مسئولیت اساسی تعلیم و تربیت فرزندان خود را بر عهده می‌گیرند. والدینی که فرزندان خود را جهت تربیت به معلم (ربی) نفرستند گناهکار خواهند بود و در جهان آخرت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت. این موضوع علاوه بر کتاب مقدس مندائی، در کتاب الف و تریسار شیالا (هزار و دوازده سوال) و نیز در دیوان اباطر به صراحت اعلام شده است:

فرزندان خود را تربیت کنید و پس از تهذیب، حکمت را به آنان بیاموزید و ایمان را در نفس آنان بکارید آنان را دعوت کنید تا راه حق را بپیمایند، کسی که فرزندان خود را ارشاد و تعلیم ندهد مورد بازخواست خداوند قرار خواهد گرفت (گنزا ربا: ۲۲).

در کتاب تعلیم یحیی آمده است که حضرت یحیی (ع) خطاب به همسر خود آنها می فرماید: «تو به دختران، کوچک (و بی ارزش) نبودن را بیاموز. من نیز به پسران، کومه بین نبودن را می آموزم» (تعلیم یحیی، یکی از کتب مقدس مندایی، ۹۷) همسرش نیز در پاسخ ایشان می گوید: «در این دنیای فانی فرزندی به دنیا آوردم که خودم خلق نکردم، بلکه هبی ربی، او را خلق کرد. به او آموزش می دهم و با خودم به سمت عالم نور می برم. پس اگر یاد نگیرد، در آتش سوزان خواهیم سوخت» (همان: ۹۸). این تربیت دست کم تا ۱۵ سالگی وظیفه‌ی والدین است و مطابق با متون مندائی، تا ۱۵ سالگی والدین باید پاسخگوی کردار و خطاهای فرزندان باشد و پس از آن خود مسئول اعمال خود هستند (سواری، صفایی مقدم، هاشمی و مغشغش السعدی، ۱۳۹۴).

بحث و نتیجه گیری

حوا نخستین زن مخلوق در دین صابین مندائی و مادر بشیریت، در اموری هم چون چگونگی خلقت، مسجود فرشتگان شدن، پاک بودن ذات، نزول و دریافت پیام وحی، آموزش احکام دینی و اخلاقیات از سوی فرشته مقرب وحی هبیل زیوا هم شأن همسرش آدم قرار گرفته است. بر این اساس در دین مندائی زن طفیلی مرد نیست و برای آسایش وی آفریده نشده است، بلکه زن و مرد در کنار هم و مکمل هم آفریده شده‌اند تا هر دو با هم جهان را آباد و عمران گردانند. ادبیات مقدس مندائی بهترین تمثیل‌ها را نسبت به زن وارسته داشته و آن را علت خلقت هستی، طلوع ماه، درخشش خورشید و وزیدن نسیم و جوانه زدن گیاهان دانسته است. در کنار این ستایش‌ها زنانی را که در مخالفت با آموزه‌های دینی قدمی بردارند را نیز سخت نکوهش کرده است.

بر اساس تعلیم دینی مندائی، بشیریت تا کنون سه بار به طور کلی نابود شده و در هر مرحله یک زن در کنار مرد باقی مانده است. شربهیل در کنار شوربای، رود در کنار رام و نه‌ریثا در کنار سام بن نوح. از این زنان نیز عنوان مادران بشیریت در دوره‌های تاریخی مختلف مندائی یاد شده است. اما شاید بارزترین جلوه اهمیت و جایگاه ویژه زنان در آیین مندائی را در تعیین ملواشه (نام دینی) برای مولود جدید مشاهده کرد. ملواشه که هویت اصیل یک فرد مندائی را تشکیل می‌دهد بر اساس بخش اول نام مادری وی شکل می‌گیرد. تمام مناسک دینی از ولادت تا مرگ تنها با این نام دینی که حامل نام مادری فرد است، انجام می‌گیرد. در تعلیم مندائی به صراحت آمده است که هر زنی که نشمتای (نفس) خویش را از ناپاکی‌ها پاک گرداند، به سوی عالم نور می‌گراید و چنان چه ضمیر خویش را از هوا و هوس و اغواگری روها (هوای نفس = مادر بدی‌ها) بزداید، به سعادت ابدی که همان ورود به آلمان دهنورا است، برسد. در بررسی

پانوشته‌های کتب دینی مندائی نام چندین زن روحانی با درجات مختلف دینی مشاهده شده که این امر حکایت از امکان ورود بانوان مندائی به سلک روحانیت دارد. اگر چه امروزه بنا به دلایلی به ندرت می‌توان زنی با درجه روحانی در بین مندائیان یافت؛ اما دیر زمانی زنان مندائی می‌توانستند بالاترین درجه روحانیت یعنی رئیس امت (ریش اما) را کسب کنند.

چون مرد و زن مکمل هم هستند، بنابراین رسیدن به کمال و آرامش واقعی تنها در سایه قرار گرفتن این دو در کنار هم است. از این رو دین مندائی اهمیت خاصی را به امر ازدواج نموده است. ازدواج پیوند مبارکی است که ابتدا در آلما دنهورا (عالم نور) بین دو فرشته بزرگ به نام‌های شیشلام ربا و سیمات هیی به وقوع پیوست. فرشتگان عالم نور، پس از خلقت آدم و حوا، آنان را بر اساس قوانین و مراحل آن ازدواج نخستین نورانی به عقد هم در آوردند. بنابراین عقد ازدواج صبغ‌ای جهان نورانی و مقدس دارد که تنها توسط روحانی با درجه گنزورا که خود نمادی از فرشتگان نور بر زمین است و طی مراحل پیچیده‌ای که شامل تعمیم زوجین در آب جاری است، انجام می‌گیرد.

تعالیم مقدس مندائی هیچ اشاره‌ای به طلاق نکرده‌اند. زیرا که عقیده بر این است که ازدواج یگانگی دو نفس است و آن عهدی است مربوط به جهان نورانی (آلما دنهورا) بین زن و مرد که الزاماً احترام و رعایت حقوق طرفین را به دنبال می‌آورد. اگر چه امروزه مندائیان تحت تاثیر فرهنگ غالب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند قرار گرفته و بر اساس قانون مدنی جوامع خویش می‌توانند اقدام به طلاق نمایند. اصل عفت و پاکدامنی برای زن و مرد نیز می‌تواند باعث صیانت نهاد خانواده از گزندها گردد. فرزندآوری از توصیه‌های تعالیم دینی و خصوصاً سنت انبیای بزرگ مندائیان است. فرزندان ادامه حیات والدین هستند. حتی برای کسب برخی از درجات دینی داشتن فرزند ضرورت دارد. روحانی‌ای که فرزند نداشته باشد، شایستگی‌هایی را در انجام برخی از مناسک دینی نخواهد داشت. یکی از مهم‌ترین وظایف والدین در قبال فرزندان خود، تعلیم و تربیت درست آنان است. والدین مکلف هستند فرزندان خود را بر اساس تعالیم دینی مندائی تربیت نمایند. مرحله تربیت از همان روز اول ولادت و تعمیم در روز سی ام توسط روحانی و انتخاب ملواشه توسط روحانی صورت می‌گیرد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که نگرش دین صابئین مندائی نسبت به زن مثبت است و همه حقوق اعطا شده به مردان هم چون حق آموزش، حق مشارکت اجتماعی، انتخاب شغل، آزادی در انتخاب همسر را به زنان می‌دهد، و با تعامل سخت و ظالمانه به آنان به شدت مخالف است.

تعارض منافع: نویسندگان (نویسنده) تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

سیاسگزاری: نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از افرادی که در انجام این پژوهش یاری رساندند تشکر و قدردانی به عمل آورند.

منابع

- قرآن کریم
- گنزا ربا (کتاب حضرت آدم ^(ع))
- درانشا اد یهیا: تعالیم حضرت یحیی ^(ع) کتاب حضرت یحیی بن زکریا ^(ع)
- دیوان آباثر. (یکی از کتب مقدس مندایی).
- اسکندری، بهنام. (۱۳۹۸). صابئین مندائی از آغاز تا کنون. تهران: سید علی زاده
- الزهیری، خضر و الکعبی، زین العابدین. (۱۴۴۰). العمق التاريخی و الدینی للصابئیه المندائین و العلاقه مع المجتمع الاسلامی. بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المندائیه
- الزهیری، عصام خلف غضبان. (۱۴۲۸). الدین الأول (مدخل الی الدین المندائی). الجزء الأول الطفل، المرأه، التعمید و الزواج. هلند: موسوعه العیون المعرفیه.
- چحیلی، سالم (۱۳۹۷). درفش. اهواز: تراوا
- حامدی پور، حمیده. (۱۳۹۴). زن در رهبانیت مسیحی. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، ۷(۲۵)، ۷۷-۹۳.
- حماده، محمد عمر (۱۴۱۳ هـ). تاریخ الصابئیه المندائین. بیروت: انتشارات دار قتیبه.
- دراوری، لیدی. (۱۹۶۹). الصابئیه المندائون فی العراق و ایران. ترجمه غضبان رومی و نعیم بدوی. (۲۰۰۶). دمشق: نشر دار المدی و الثقافه و النشر
- سواری، عزیز. (۱۳۹۶). بررسی نظام اخلاقی دین صابئین مندائی و دلالت های آن برای تربیت اخلاقی. رساله دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سواری، عزیز، النجار، دعاء. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه و نقش مادر در تعالیم مقدس مندائی. دومین همایش ملی جایگاه و نقش مادر، مجموعه مقالات دانشگاه تهران، ۳۸۴-۳۸۹.
- سواری، عزیز، صفایی مقدم، مسعود، هاشمی، سید جلال، مغشغش السعدی، قیس (۱۳۹۴). بررسی مبانی فلسفی دین صابئین مندائی و استخراج آموزه های تربیتی از آنها، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی، ۶(۹۴)، ۱-۱۶.
- سواری، عزیز، هاشمی، سید جلال. (۱۳۹۶). بررسی نقش و جایگاه حجاب و عفاف در دین صابئین مندائی. همایش حجاب و عفاف کاربردی، دانشگاه الزهرا.
- عربستانی، مهرداد. (۱۳۹۷). صابئین مندائی، کیهان شناسی، سازه و منظر. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۶(۱۹)، ۱۶-۲۱.
- عربستانی، مهرداد. (۱۳۹۸). صابئین مندائی و دنیای در حال تغییرشان. پژوهش های انسان شناسی ایران، ۱(۱)، ۳۱-۴۹.
- مغشغش السعدی، قیس. (۱۴۳۶). طقوس الصابئیه المندائین؛ رموز و معانی. آلمان، دربشا.

-
- Buckley, J. J. (2000). The Evidence for Women Priests in Mandaism. The University of Chicago Press, *Journal of Near Eastern Studies*, 59(2),93-106.
 - Buckley, J. J. (2002). *The Mandaean: Ancient Texts and Modern People*. Oxford Oxford University Press.
 - Drower, E. S. (1937). *The Mandaean of Iraq and Iran: Their cults, customs, magic, legends, and folklore*. London: Oxford University Press.
 - Haberl, Charles G, (2013). Dissimulation or Assimilation? The Case of the Mandaeans. *Brill Publishers*, numen (60), 586-615

Women's Feature in Mandaean Religion (Marriage and Family)

A. Sawari*
M. Jaberynasr**

Abstract

The present study aimed investigating the woman's character through Mandaean religion. The research population was all religious texts translated by Mandaeans. The studied sample was the Bouthe (the smallest part of the teachings of the Mandaean religion) related to women, marriage, and the family. In this research, by using the library approach (taking note cards from sources) and referring directly to the holy books of Mandaen, the materials related to the subject of the article (woman, marriage and family) were studied and investigated, then analyzed via a qualitative method. The findings showed that the first woman (Eve), was created to be the companion and twin of the first man (Adam), and their pure soul was breathed from Alma Denhora into their bodies. Eve was next to Adam, while recipient of divine revelation, and after Adam's death, the revelation of the revelatory teachings was continued addressed to Eve. Throughout the ancient history of Mandaean some women were able to enter the clergy and achieved the highest religious ranks such as the Rish oma. Malvasheh, or religious name that forms the original identity of a Mandaean, was created based on the person's mother name. Marriage was considered a religious ritual that had features such as leading to inter-ethnic relation, the existence of complex religious rituals including the baptism of couples in running water; and the absence of divorce. Based on the sacred instructions of Mandaean, family principles such as chastity, child bearing and breeding were extracted and presented.

Keywords: woman feature, Mandaean religion, marriage, family

*PhD in Philosophy of Education, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. (corresponding author, Email: azizsawari@gmail.com)

** PhD in Philosophy of Education, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. (Email: m.jaberynasr@gmail.com)